

## گزارش

در آن بساط که منظور میزبان باشد  
شکم پرست کند التفات بر مأکول  
(سعدی)

این رساله پارسی نبشت که شاید در نوع خود یگانه باشد تألیف نویسنده ناشناخته‌ای است. مؤلف خود را در خطبه، سلطان محمود بن محمد بن محمود نامیده است. تا کنون نشانی و خبری از او به دست نیاورده‌ام ولی از اشرافی که بر کتابهای معتبر قدما داشته و بدانها استناد جسته، خوب مشخص است که «مردی ملاً» بوده است. مجموعه اطلاعات مندرج درین رساله خوب می‌نماید که مؤلف در محیط فرهنگی ماوراءالنهر پرورش یافته زیرا بیشتر به نوع کتبی که در آن خطه رواج می‌داشته ارجاع داده است و آن هم از اهمّ متون کهن.

او این رساله را به نام خواجه جمال‌الدین عطاءالله پرداخته. این شخص که به مناسبت عنوان «خواجه» می‌تواند صاحب مقام دیوانی بوده باشد به مانند مؤلف پیرو یکی از سلسله‌های متصوّفه می‌بوده است. زیرا از او به عبارت «سرخیل حلقه فقرا، اعنی جناب قدوة العارفين، محب الفقراء و المساکين» نام برده شده است (صص ۲ - ۳).  
اما مُراد سلسله‌ای مؤلف که چند بار از او به عنوان «مخدومی» یا «مخدومی

مولوی» یاد می‌کند برای من عارف گمنامی است به نام صفی‌الدین شیخ علی صوفی که در زمان تألیف این رساله درگذشته بوده است. به همین مناسبت همه جا از او با دعاهای مربوط به درگذشتگان یاد می‌شود. نامهای خواجه جمال‌الدین عطاءالله و مخدومی مولوی و صفی‌الدین شیخ علی صوفی و شیوه نگارش متن یادآور کسی است که در قرن دهم می‌زیسته است و اگر یکی از مآخذ او را که کتاب سراجیه (فتاوی) تألیف عالم بن علا (قرن سوم هجری) باشد ناظر به تلخیصی بدانیم که از آن در قرن نهم شده بود و بیشتر به تاتارخانیه شهرت دارد در چنین صورت باید زمان تألیف این کتاب را اواخر قرن دهم هجری بدانیم. اما چون مؤلف در متن، نام کتاب مورد استناد خود را به عنوان سراجیه آورده است محتمل است نظرش به همان متن اصلی (قرن سوم) بوده است. درین صورت قضیه فرق می‌کند. ناچار با توجه به سایر منابع مؤلف که متأخرترین همه از مؤلفی درگذشته ۷۵۸ (سیر سعدالدین) می‌باشد تألیف کتاب می‌تواند نزدیکتر به این زمان بشود ولی زبان نوشته چنان نیست. اگر چه در فهرست‌نگاری کتابخانه کتابت نسخه از قرن هشتم دانسته شده است.

نام کتاب در خطبه مُصرحاً آداب المضيفين و زاد الآكلين است. ولی در صدر صفحه اول فرد دیگری به احتمال نام رساله را «رسالة فی باب الضیف والضيافة و المیزبان» قید کرده است که قطعاً نامی برساخته و برافزوده و «من درآوردی» از سوی چنان کسی است. تصور می‌شود نباید ارتباطی با مؤلف داشته باشد.

نام کتاب به خوبی گویای موضوع آن است. یعنی در اخلاق و آداب خوردن و مهمانی رفتن و مهمانی کردن است. درین کتاب آنچه بر قلم مؤلف رفته است اغلب بر اساس مبانی و موازین و معیارهای مذکور در کتب احادیث و احکام و فتاوی و مآخذ و معارف دینی و قسمتی هم مبتنی بر امتهات عمده متون متصوفه است.

منابعی که از آنها ذکر می‌کند (نزدیک به پنجاه تا) از کتب مؤلفان اهل سنت و مخصوصاً بیشتر بر مذهب حنفی و گاه شافعی است. بنابراین مؤلف پای‌بندی به

طریقه حقیقه داشته و در چنان مشرب و محیط می زیسته است. قرینه نسبت قوی که درین باره می توان بیان کرد ذکر عقیده خاص شافعی در مورد قابل تملیک بودن غذا است. اما مؤلف آن نکته را به گونه ای آورده است که دلالت دارد بر این که خود پیرو آن طریقه نیست. زیرا نوشته است «پیش علمای شافعی تملیک است». (ص ۶۴)

درین رساله احکام و آداب آن مذاهب مندرج ساخته شده است. فهرستی ازین کتابها در پایان تنظیم شد و چون همه آثاری است که مربوط به پیش از سال ۹۵۶ هـ است می توان زمان میان سالی مؤلف را با توجه به زبان و سبک نگارش رساله اواخر قرن دهم دانست.

تاکنون ازین کتاب همین یک نسخه شناخته شده و آن نسخه در کتابخانه آیه الله مرعشی در قم نگاه داری می شود.<sup>۱</sup> خط نسخه نسخ است و نسخه جزو مجموعه ای است به شماره ۱۳۲۱۲/۱۵ و در اوراق ۲۰۷ ب تا ۲۵۰ ب آن قرار دارد. (خریداری سال ۱۳۷۸). از حضرت آقای دکتر سید محمود مرعشی سپاسگزارم که عکسی از آن را به من مرحمت کردند.



چون در زمینه آداب خوردن و نوشیدن از نظر مطالعه تاریخ اجتماعی و پی بردن به گونه های زندگی روزانه ضرورت به بررسی و سنجش در متون مشهود است چاپ کردن هرچه ازین گونه نوشته ها به دست آید، به هر صورت و از آن هر گروه و تیره ای که باشد مفید تواند بود. به همین ملاحظه است که این رساله مستند چاپ می شود.

درین نوشته بجز احکامی که درباره حلال و حرام بودن نوع طعامها آمده تعیین شبهه ها در مورد طعامهایی ایراد شده است که از راه غضب، ظلمه، سلاطین، عطیه،

---

۱. فهرست آنجا، جلد ۳۳ (قم ۱۳۸۴)، صص ۳۹۷-۳۹۸. (رساله یکم این مجموعه مورخ ۹۴۱ است) درین چاپ سعی شده است که حتی المقدور رسم الخط کاتب حفظ شود از قبیل «درو»، «ازین». ولی گاهی آنها را به صورت امروزی نوشته است که همان طور نقل شده است.

هدیه، تحفه، وظایف، عشر، خراج، بیت‌المال برآمده و ساخته شده باشد. نیز مطالب گوناگونی در آداب دست شستن، لیسیدن انگشت، خلال کردن، صحبت داشتن به هنگام غذا خوردن (از جمله حکایات صالحان را گفتن) در بردارد. حتی نوشته است که خاموش بودن بر سر سفره فعل مجوس است (ص ۶۱). و طرز همکاسگی با دیگران و طرز تعارف نسبت به بزرگ و کوچک بر سر سفره و ادب غذا برداشتن از سفره و رویه‌ای که صاحب‌خانه باید نسبت به خادم سفره رعایت کند و نوشتن نام غذاها بر کاغذ برای اطلاع مهمان - که می‌تواند مورد اعجاب باشد (زیرا یادآور رسوم درباری و اعیانی فرنگ است) - در آن مندرج است که شاید همه آنها را نتوان یکجا و در یکی از کتب اخلاق یا آداب مذهبی یافت. درین متن به نگاه‌داشت پاکیزگی توجه مخصوص شده است. از جمله آنکه پاک کردن دست را حتی به مندیل شخصی منع کرده، آداب دست شستن میان جمع و طرز آب ریختن را به گویایی آورده و حتی اشارتی به مرسوم مجوس کرده است که نباید به آن‌گونه رفتار کرد.

مطالبی هم جای‌جای از آن به دست می‌آید که مربوط به قلمرو فرهنگ مردم (عامه) است، مانند اینکه خوردن غذا را اول به نان باید آغاز کرد و سپس نمک. طبعاً و قطعاً سنتی بوده است بسیار کهن که هنوز در میان بعضی از طوایف ایرانی رعایت می‌شود و ترتیبی است کُتانه، شناخته و پسندیده بشری.

این نکته را هم نباید فراموش کرد که مباحث مربوط به حرام و حلال در طعام و رعایت جوانب فقهی در اغلب متون فقه ذیل اطعمه و اشربه یا کتاب ولیمه هست و از اهم آنها تذکرات شیخ طوسی (درگذشته به سال ۴۶۰) در النهایه است که خوشبختانه ترجمه کهن فارسی هم از آن در دست است. مراد کتاب هفتم به نام «الاطعمة والاشربة» است که باب سومش آداب خوردن و نوشیدن است.

شاید آداب الطعام شهاب‌الدین احمد بن عماد بن یوسف مصری شافعی (درگذشته به سال ۸۰۸) نیز در همین مقوله باشد و من آن را ندیده‌ام و هنوز نمی‌دانم که نسخه‌اش را کجا می‌توان یافت.

اما در عده‌ای از متون اخلاقی و تدبیر منزل به زبان فارسی این مباحث آمده است. حتی در کتابهایی که زمینه داستانی دارد هم می‌توان شواهد خوبی استدراک کرد. به طور مثال باب آداب خوردن در رکن معاملات احیاءالعلوم و کیمیای سعادت محمد غزالی، باب یازدهم قسم دوم از جوامع الحکایات عوفی (قرن هشتم) است که «فضیلت ضیافت» عنوان دارد و بیست و هفت حکایت در آن مندرج است، یا فصل سیزدهم از انیس الناس تألیف شجاع (ظاهراً شیرازی) در سال ۸۳۰ ه. که «در آداب مهمانی و شرط آن» نام دارد. باز از همین مقوله است «فصل فی الاضیاف و الاطعام و اصناف الطعام» در کتاب «همه فن حریف» شبستان نکات و گلستان لغات در باب هفتم آن تألیف یحیی سبیک فتاحی نیشابوری (درگذشته ۸۵۲)، یا مقاله چهارم از کتاب شیرین و خواب‌آور محبوب القلوب (از اواخر قرن دهم) تألیف برخوردار بیک فراهی ترکمان که عنوانش «آداب فواید ضیافت» است.

□

با آوردن یادداشت درباره قصیده‌ای که در آن آداب و معایب میزبانی و مهمانی به طرفگی مطرح است این نوشته را به پایان می‌آورم. نام سراینده قصیده مظهر کره‌ای است از مردم هندوستان (درگذشته به سال ۷۹۱ ه.). تصویر این قطعه از نسخه چاپی را فاضل گرامی آقای نادر مطلبی کاشانی که از آن آگاه می‌بود به من لطف کرد.

شاعر درین قصیده پنجاه و سه بیتی موجود چهل و دو عیب رفتاری مهمان و سیزده عیب کرداری میزبان را بیان کرده است. ولی بر روی هم ابیات مربوط به چهل و نه عیب در چاپ فاضل هندی دیده می‌شود و اکنون درین جا کمتر، به مناسبت آنکه ابیات معیوب غیر قابل تصحیح را نیاوردم. دلپسندم آن بود که تمام قصیده را به صورت پیوست در پایان می‌آوردم ولی چون طبعی<sup>۱</sup> که از آن هست مغلوط و گاه نامفهوم است و نسخه‌بدهای زیر صفحه هم هیچ کمکی نمی‌کند،

۱. دیوان مظهر، ترتیب و تصحیح دکتر عبدالرزاق، کتابخانه شرقی خدابخش، ۱۹۹۸.

ابیاتی از آن را که درست می‌نماید یا کمتر عیب دارد درین جا برای آگاهی می‌آورم. امیدوارم فضایی هندوستان عکس نسخه‌ها را بفرستند تا در موقعی دیگر سراسر آن را به چاپ برسانم.

### قصیده مطهر کره‌ای

پنجاه و پنج عیب شمردست ز اهل خوان  
کاندر کتاب نزهة...<sup>۱</sup> کند بیان  
زان جمله عیبهاست چل دو از آن ضیف  
باقی از آن... سیزده عیب میزبان  
بشنو کنون اسامی اصحاب آن عیوب  
تا چون بدانسی آن نکنی باز...  
حکاک آن بود که بخارد به پشت دست  
تن را به پیش از آن که برد دست سوی نان  
دقاق آن بود که چو خوان در میان نهند  
پیش از همه رود بنشیند فراز خوان  
لقاف آن بود که ز هر نان نواله‌ای  
پیچد برای خویشان، نه از بهر میهمان  
نفاخ آن که لقمه سوزان برآورد  
وانگه دمد نفس که کند... در بنان  
ممتد آن بود که کند دست خود دراز  
در کاسه‌ای که دور بود سخت از آن مکان

۱. نقطه‌چینها مواردی است که کلمه مخدوش و نامشخص بوده است.

مَصَّافِ آن که چون نگرَد استخوان و مغز  
گه کوبدش به دست، گهی نوشد از لبان  
لَمَّاسِ آن بود که بلیسد میان اکل  
انگشتهاش، تا ببرد چربی از میان  
بِقَارِ آن بود، پی لیسیدن لبش  
هر دم چو گاو پیر برون آورد زبان  
... آن که خنده زند سخت کز دهانش  
خائیده نان بریزد و لقمه شود عیان  
دَفَّاعِ آن که لقمه نهد در دهن بزر  
وان گه برد به قوَت انگشت در کران  
مِعْطَاشِ آن که لقمه برآرد به کله‌ای  
پس آب نوشد و خورد آن لقمه بعد آن  
... کسی است که حق همسایه در طعام  
نارد به جای، خوب ندارد به پیش خوان  
عایب کسی بود که کند عیب چون زنی  
کین شور و آن بیمزه، آن خام، آن دُخان  
بر کاسه‌ها کند به حیل گردنش دراز  
از بیم آن که تر نشود درع و طیلسان  
وان گه... آن که ز نان چمچه آکند  
تا خوردنی بدان خورد آن مرد ناتوان  
وان گه منقَط آن که کند از سرشکِ آش  
آلوده جامه‌ها و رخ و ریش پُر نشان

وان گه مبلّغ آن که نخائیده لقمه‌ها  
هر دم فرو برد که بود معده را زیان  
وان گه مخرب آن که چو در کاسه دست زد  
هیچ اندرو رها نکند جز که استخوان  
وان گه مسابق آن که یکی لقمه در دهان  
دیگر به دست ساخته دارد همان زمان  
وان گه طفیل، آن که ز ناخوانده می‌رود  
دنبال مهتری که به قهرش دهد امان  
باز آن مدمع است که چون لقمه گرم خورد  
آب آیدش به دیده و سوزد دل و دهان  
باز آن مقطّع است که چون لقمه شد بزر  
برّد به نیم و باز درش افکند همان  
باز آن مشلّع است که چون مرغ و میوه خورد  
آن استخوان و خسته<sup>۱</sup> نه‌د پیش دیگران  
باز آن مبعّع است که چون در سخن شود  
بعبع کند که لقمه بود در دهن کلان  
باز آن مفرّحی است که از خوان نواله‌ای  
بر اهل خصم<sup>۲</sup> خانه دهد کایدش روان  
باز آن کسی بود متثائل که دیر کرد  
چندان [در] انتظار شود، خلق در فغان



... آن بود که چو مردم کشید دست  
دستش بود به مائده در کار همچنان  
هر دم به جانبی نظری ملتفت کند  
کاید ز در طعام به خوان، چون برند<sup>۱</sup> خوان  
چون عیب میهمان چل و دو تمام شد  
عیب آن میزبان که بود سیزده، بخوان  
اول مَحَدَّث آنکه ز گـفتار...  
مشغول دارد از خورش اکل...  
پس مشتکی که در بر مهمان کند حدیث  
نایابی طعام و گرانی کاردان  
زان پس موخّش آن که کند در حضور ضیف  
تندی و خشم بر خدم و خیل بیکران  
زان پس منقّی آن که کشد پیش میهمان  
چیزی قلیل و بر همه چیزست...  
عصّاص آن که بر سر خوان، آب خوردنی  
حاضر نکرده باشد و بیم اوفتد به جان  
زان پس موخّر آن که نخست آتش بر کشد  
واخـر بـرای خاص... زعفران

ناگفته نگذرم که پیش از این رساله‌ای به نام مجالس الاحباب / مهمانیه نوشته  
عبدالفتاح موسوی مراغه‌ای از دانشوران و شعرای دوره قاجاری (احتمالاً دوره  
محمد شاه) در آداب مهمانی و میزبانی مربوط به عراق و خراسان و آذربایجان را در

آینه میراث شماره ۲۴ (بهار ۱۳۸۳) به چاپ رسانیده‌ام که بیشتر جنبه ادابی و تشریفاتی دارد و مندرجاتش برین موازین است:

مجلس اول: در ترغیب و تحریض بر دعوت مهمان

مجلس دوم: در مذمت بخل و مدح احسان و ترک ضیافت و انقسام ضیافت

مجلس سوم: مجلس علما و فضلا

مجلس چهارم: مجلس حکام و سلاطین

مجلس پنجم: مجلس وزرا و ارباب قلم و ارباب مناصب

مجلس ششم: مجلس اعزه و اهل ثروت

مجلس هفتم: مجلس اواسط الناس

خاتمه در بیان احوالی که متعلق به خود مهمان است.

### معرفی کوتاه ماخذ مؤلف

آداب [المريدین]: ابوالنجیب عبدالقاهر سهروردی درگذشته ۵۶۳

احیاء العلوم: محمد غزالی درگذشته ۵۰۵

اذکار نووی موسوم به حلیة الابرار (حدیث): محیی الدین یحیی نووی شافعی درگذشته ۶۷۶

ارشاد: عبدالله بن محمد بن ابی بکر قلانسی نسفی (اوایل قرن ششم)\*

انس الثائین: احمد نامقی، پیر جام درگذشته ۵۳۶

اوراد: بهاء الدین زکریا: شناخته نشد (برای من) مگر منظور همان کتاب مشهور حدیث امام

محمی الدین ابی زکریا نووی شافعی درگذشته ۶۷۶ باشد که ذیل اذکار نووی یاد شد.

بستان [العارفين]: ابولیت سمرقندی درگذشته ۳۷۵

بیان الاحکام: شناخته نشد (برای من)

---

\*. این کتاب در سالهای اخیر شناخته شد. دکتر عارف نوشاهی متن روشنی از آن را در سلسله انتشارات میراث

مکتوب انتشار داده است (تهران ۱۳۸۵).

تاریخ یافعی (یا) مرآة الجنان: ابو محمد عبدالله یافعی یمنی درگذشته ۷۶۸  
تحفة الصلوات، یک بار هم به نام تحفه آمده، ولی نمی‌تواند تألیف حسین کاشفی سبزواری واعظ  
شیعه به فارسی و تألیف ۷۹۹ باشد. به قرینه منظور کتاب دیگری است که شناخته نشد.  
تفسیر تیسیر [التیسیر فی التفسیر]: محتملاً از ابوالقاسم عبدالکریم قشیری شافعی درگذشته ۴۶۵ یا  
از نجم‌الدین ابی حفص عمر نسفی درگذشته ۵۳۷  
الجامع الصحیح = صحیح  
حیرة الفقهاء: عبدالغفار بن لقمان کردی حنفی درگذشته ۵۶۲  
خزانه (نامشخص): شاید [خزانه الفتاوی] از آن طاهر بن احمد بخاری سرخسی درگذشته ۵۴۲  
خلاصه (نامشخص) شاید خلاصه الفتاوی از طاهر بن احمد بخاری درگذشته ۵۴۲  
رسالة قشیری: ابوالقاسم عبدالکریم قشیری شافعی درگذشته ۴۶۵  
زاهدی: به قبة المنیة مراجعه شود.  
سراجیة [فی الفتاوی] از عالم بن علاء حنفی (قرن سوم - معجم المؤلفین) همان است که تلخیصش  
به تاتارخانیة و زادالمسافر شهرت دارد و به دستور تاتارخان توسط امام ابراهیم بن محمد  
حلبی (درگذشته ۹۵۶) خلاصه شده است.  
سنن ابن ماجه (حدیث): ابو عبدالله محمد بن قزوینی درگذشته ۲۷۳ که بعداً توسط چند تن در  
قرون مختلف به تلخیص و تحریر جدید درآمده است.  
سنن نسائی معروف به السنن الکبیر: از ابو عبدالرحمن احمد نسائی درگذشته ۳۰۳ و پس از او به  
تلخیص و تحریرهای دیگر درآمده.  
سیر سعدالدین (نسخه: سعیدالدین) کازرونی: مراد سیرة النبی است به نام الممتقی فی السیر که مؤلف  
در کشف الظنون سعیدالدین محمد بن مسعود است درگذشته ۷۵۸  
شرح اسماء الله (مخدومی): تألیف مراد مؤلف: شیخ صوفی الدین علی.  
شرح صحیح بخاری: ابن حجر عسقلانی درگذشته ۷۵۲  
شرح مختصر وقایه ← وقایه  
شرح مسلم: صحیح مسلم از مسلم بن حجاج نیشابوری

- شرعة [الاسلام]: ركن الاسلام محمد امام زادة حنفى درگذشته ۵۷۳
- شعب الايمان: حافظ احمد بن حسين شافعى بيهقى خسروجردى درگذشته ۴۵۸. نام كتابش جامع المصنف فى شعب الايمان هم ذكر شده.
- شمایل [النبي]: محمد ترمذى درگذشته ۲۷۹
- صحيح بخارى = الجامع الصحيح ابو عبدالله محمد بخارى درگذشته ۲۵۶
- صحيح مسلم = الجامع الصحيح ابو الحسين مسلم درگذشته ۲۶۱
- عوارف المعارف: شهاب الدين ابو حفص عمر سهورردى درگذشته ۶۳۲
- فتاوى ظهیری معروف به الفتاوى الظهيريه: از ظهيرالدين ابوبكر محمد قاضى بخارى حنفى درگذشته ۶۱۹
- فتاوى قاضى خان: فخرالدين حسن اوزجندى فرغانى درگذشته ۵۹۲
- فردوس (نامشخص): ظاهراً فردوس الاخبار در حديث از ابوشجاع شيرويه همدانى ديلى درگذشته ۵۰۹
- قنية [المنية على مذهب ابى حنيفة]: ابوالرجاء نجم الدين مختار زاهدى حنفى درگذشته ۶۵۸
- قوت القلوب: ابوطالب محمد مكى درگذشته ۳۸۶ در تصوف
- كتاب ابن السنى: احمد بن محمد دينوى محدث كه سنن نسائى را مختصر كرد درگذشته ۳۶۴
- كنز السنن: شناخته نيست (برای من)
- كنز العباد [فى شرح الاوراد]: شهاب الدين سهورردى درگذشته ۶۳۲
- كيمىاى سعادت: محمد غزالى درگذشته ۵۰۵
- مشوى مولانای بلخى درگذشته ۶۷۲
- مختار الفتاوى (نامشخص): شايد المختار فى فروع الحنفية از ابوالفضل مجدالدين عبدالله حنفى موصلى درگذشته ۶۸۳
- مختصر وقايه: وقاية الراوية فى مسائل الهداية از برهان الشريعة محمود محبوبى حنفى درگذشته حدود ۶۷۳
- مشكوة: سه بار از آن ياد شده است. مى تواند مشكوة الانوار محمد غزالى باشد.

مضمرات: از شروح مختصر قدوری (جامع المضمورات). مختصر قدوری از ابوالحسین احمد قدوری

بغدادی حنفی درگذشته ۴۲۸

ملتقط: ظاهراً الملتقط فی الفتاوی الحنفیة از ناصرالدین ابوالقاسم محمد حسینی سمرقندی

درگذشته ۵۵۶

منهاج العابدین: محمد غزالی درگذشته ۵۰۵

میزان الاعتدال [فی نقد الرجال]: حافظ شمس الدین ابو عبدالله محمد ذهبی درگذشته ۷۴۸

نوادر الفتاوی: شناخته نشد (برای من)

واقعات حسامی: موسوم به الاجناس از حسام الدین عمر بخاری حنفی درگذشته ۵۳۶

وقایه: شرح مختصر وقایه دیده شود.

هدایه (نامشخص): شاید فی الفروع از برهان الدین علی مرغینانی حنفی درگذشته ۵۹۳

ینایع (نامشخص): شاید از ابوالقاسم احمد بن حسین بیهقی حنفی درگذشته ۴۵۸

□

شایسته است که از کوشش‌های دوست فاضل گرامی آقای محمد باهر و همکارانشان بانوان زهرا طاوسی و معصومه حسینی از ویراستاران مرکز پژوهشی میراث مکتوب سپاسگزاری کنم که در بهبود متن مرا یاری داده‌اند.

هفدهم مرداد ۱۳۸۶

ایرج افشار